

سوزانیدن آلات موسیقی نماد از اسلام ناب

(تاریخ ۶ اگوست ۲۰۲۳)

در دو هفته گذشته ما باز هم از سوزاندن و نابود کردن آلات موسیقی توسط طالبان در هرات و بدخشان شنیده ایم. طالبان به مثابه حاکمان دینی وجود موسیقی و شنیدن آن را مایه فساد و تباهی جامعه می دانند.

چرا؟

البته هر مسلمان فکر می کند در دین اسلام عیبی نیست، هر عیبی که هست از مسلمانی ماست. همین عبارت باعث این شده است که به جای اینکه در باره دین خود و احکام غیر منطقی و غیر عقلی دین فکر کنند، گمان می کنند که دین اسلام هیچ عیب و نقصی ندارد، هر نقص و عیبی که است از کسانی است که این دین را تطبیق می کنند یا به سخن دیگر، عیب از مسلمانی ماست.

البته جامعه دین زده افغانستان به جای اینکه فکر کنند که این دین اسلام است که موسیقی را مایه فساد و تباهی جامعه می داند، فکر می کنند که طالبان چنین می دانند. یعنی این احکام اسلام نیست که تطبیق می میشود، بلکه طالبان احکام را نادرست تطبیق می کنند.

در حالیکه این فکر سخت اشتباه و خطا است. به گونه مثال شنیدن موسیقی، لذت بردن از آن، رقص و آواز، نقاشی و هنر های دیگر پدیده هایی اند که انسان به آن نیازمند است، اما احکام اسلام آن را مایه فساد اخلاقی می دانند. طالبان هم اسلام را تطبیق می کنند.

هنر و موسیقی پدیده های اند که بازندگی انسان خردمند در پیچیده است و امروز جزء لاینفک فرهنگ و زندگی اجتماعی می باشد. موسیقی، هنر و فرهنگ روند طبیعی خویش را با روند رشد و تکامل جامعه های انسانی پیموده اند.

حتا از انسانهای نخستین و ابتدایی در دیوار های مغاره ها، در روی تخته سنگ ها و غیره آثار یافت شده است که بیانگر ذوق و سلیقه، درک و برداشت انسان های آغازین و ابتدایی است.

این ذوق و سلیقه در انسان فطری و سرشتین است. اگر آفریدگاری وجود دارد، همان آفریدگار خودش این شایستگی و ذوق و سلیقه را در نهاد انسان سرشته است.

پس کسی دیگر نمی تواند با کفالت از آفریدگار این ذوق را سرکوب کند.

شنیدن موسیقی و لذت بردن از آن به شکل طبیعی در انسان رشد و نمو یافته تا اینکه به مرحله‌ی امروزی رسیده است.

انسان های ابتدایی در زندگی اجتماعی خویش، با شنیدن نوای پرندگان، ریزش آبشارها، دیدن حیوان های وحشی و دیدن پدیده های طبیعی به کمک احساس، ذوق و عاطفه طبیعی خویش نقاشی می کردند و به این طرز هنر نگاره گری می آفریدند؛ همچنان مانند آواز و رقص پرندگان و حیوانات دیگر می کوشیدند برقصند و به آفرینش ساز و آواز بپردازند.

باگذشت زمان و با پیدایش دولت ها و شهرها هنر و موسیقی جزء جداناپذیر فرهنگ و تمدن بشر شد. زندگی بشر بدون هنر و موسیقی تهی و خالی از حس و عاطفه است. هنر و موسیقی به غنای زندگی افزوده است، درست مانند آن چه دانش و تجربه به غنا و رسایی زندگی انسان افزوده است و می افزاید.

موسیقی در افغانستان نیز یک رکن مهم از زندگی معنوی و فرهنگی ماست. ولی طالبان مردم ما را از این رکن مهم محروم می کنند، زیرا دین اسلام موسیقی را ممنوع کرده است. دین اسلام و تمام ملاها که از دین پیروی می کنند، به حرام بودن و کم از کم، به مکروه بودن آوازخوانی و موسیقی حکم کرده اند. طالبان نیز حاکمان دین هستند و باید همان کنند که دین و ایمان شان جایز دانسته است مانند کشتن غیر مسلمانان؛ و چیزی نکنند که دین شان ممنوع کرده است مانند منع موسیقی، منع کار و تعلیم بانوان.

در بالا گفتم که عده یی طالبان را متهم به اجرایی نادرست احکام دینی می کنند و در عوض آن از دین اسلام ناب و درست که در ذهن خود دارند، دفاع می کنند. البته چنین کسانی سخت در خطا اند. زیرا طالبان احکام دین را همانگونه که هست، عملی می کنند، همان احکام که هیچ نتیجه و حاصلی غیر از عقب افتادگی، خرافات پرستی، بی دانشی و بی فرهنگی ندارد.

درین مورد طالبان تقصیر ندارند، تقصیر از دین است. طالبان مردمان ساده و صاف، و در تطبیق دین تقریبین رُک و راست هستند، تفسیر های دروغین نمی خواهند و به روی دین اسلام، مانند مکتب خوانده های بی خبر از دین اسلام، ماله کشی نمی کنند.

طالبان می دانند که چه چیز در اسلام مجاز است و چه چیز نیست.

هرکس که شمه از دین اسلام خبر باشد، می داند که در دین اسلام اولین منبع حقوقی، قرآن است و دومین منبع آن حدیث است. منبع حقوقی در حقوق همان چیزی است که بر اساس آن مقررات حقوقی تهیه می شود. بر پایه آن مقررات الزامی و جبری برای ما نوشته میشود، بر مبنای آن برای ما تعیین می شود که در زندگی اجتماعی چگونه رفتار کنیم، مقرر می شود که چه برای یک مسلمان مجاز است و چه چیز ناروا است.

در باره موسیقی نیز شارع اسلام ۱۴۰۰ سال پیش تکلیف ما را روشن کرده است. شارع اسلام که همان پیامبر اسلام است، به اندازه که خودش میدانسته آلات موسیقی را ابزار شیطانی گفته است.

او نیز گفته است که آنانی آلات موسیقی برای آنها نواخته می شود و دختران آوازخوان برای آنها می خوانند. خداوند آنها را در زمین فرو می برد و آنها را به میمون و خوک تبدیل می کند.

و هم او گفته است که در این امت فروپاشی زمین و دگرگونی و قذف خواهد بود وقتی که کنیزان آواز می خوانند، موسیقی و شرب مسکر پخش می شود.

هرچند ما تا حالا ندیده ایم که چه سراینده و چه نوازنده موسیقی و چه شنونده آن به کدام میمون یا خوک تبدیل شده باشد یا زمین به خاطر آوازخوانی و شنیدن موسیقی از هم پاشیده باشد، ولی او گفته است و تکلیف مسلمانان را روشن کرده است.

حدیث های زیر از پیامبر اسلام درباره موسیقی روایت شده است که بیانگر همان چیزی است که طالبان بر پایه آن حکم می کنند. طوریکه گفتیم هر حدیث پیامبر منبع حقوقی اسلامی تلقی می شود و باید مطابق آن عمل شود. شاید حدیث های بیشتری درین باره باشد ولی همین سه حدیث زیر حکم اسلام را درباره موسیقی خوب بیان می کند.

حدیث ۹۵۲ از صحیح بخاری:

حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أُسَامَةَ، عَنْ هِشَامٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعَنْدِي جَارِيَّتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ تُغْنِيَانِ بِمَا تَقَاوَلَتِ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بُعَاثَ - قَالَتْ وَلَيْسَتَا بِمُغْنِيَتَيْنِ - فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ أَمْرًا مِيرُ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذَلِكَ فِي يَوْمِ عَيْدٍ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ " يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا، وَهَذَا عِيدُنَا " .

ترجمه:

از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفت: ابوبکر درآمد و نزد من دودختر از دختران انصاری آمده بودند و قصه های انصار را درباره روز بعثت به آواز می خواندند. عایشه می گوید: آن دو دختر سراینده حرفوی نبودند. ابوبکر گفت: مزامیر شیطانی یا آلات موسیقی شیطانی و آنها در خانه رسول الله!

و این واقعه در روز عید بود، رسول الله فرمود: «ای ابوبکر هر قومی را عیدی است و این عید ماست».

در پانوشت این حدیث مترجم حدیث ها توضیح می دهد که فرموده آن حضرت دلیل به اباحت غنا یا آواز خوانی نیست. سخن مشهور در سلف به حرمت و کراهت موسیقی است و حتا به حرام بودن موسیقی تاکید شده است.

حدیث ۴۰۲۰ صحیح ابن ماجه

عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -
" لَيْشْرَبَنَّ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يُسْمَوْنَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا يُعَزَفُ عَلَى رُءُوسِهِمْ بِالْمَعَارِفِ
وَالْمُعْتَبَاتِ يَحْسِفُ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ وَيَجْعَلُ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ "

ترجمه:

از ابی مالک الاشعری روایت شده است که پیامبر گفت:

ملت من شراب می نوشند و آن را به نام دیگری می خوانند و آلات موسیقی برای آنها نواخته می شود و دختران آوازخوان (برای آنها می خوانند). خداوند آنها را در زمین فرو می برد و آنها را به میمون و خوک تبدیل می کند.

حدیث ۲۲۱۲ جامع الترمذی:

عَنْ عِمْرَانَ بْنِ حُصَيْنٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ " فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ خَسْفٌ وَمَسْحٌ
وَقَذْفٌ " . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَتَى ذَلِكَ قَالَ " إِذَا ظَهَرَتِ الْفِتْنَاتُ
وَالْمَعَارِفُ وَشُرِبَتِ الْخُمُورُ "

ترجمه:

«در این امت فروپاشی زمین و دگرگونی و قذف خواهد بود.» مردی از مسلمانان گفت:
ای رسول خدا! آن کی است؟» گفت: «هنگامی که کنیزان آواز می خوانند، موسیقی و
شرب مسکر پخش می شود.»

پس، در اسلام ناب محمدی، یعنی همان چیزی که پیامبر به به پیروانش آموزش داد، موسیقی و هنر وجود ندارد. در اسلامی که آن را پسان فقیه ها و رهبران دینی به عنوان شریعت اسلامی قبول دارند، موسیقی و سرایندهای حرام و کم از کم مکروه و ممنوع است.

البته بدون موسیقی زندگی شباهت به مردگی دارد. ولی موسیقی در کشورهای اسلامی وجود دارد چون آن را نمی توان ممنوع کرد.

موسیقی و هنری که امروز در کشورهای اسلامی وجود دارد بنا بر جبر زمانه است. یعنی اینکه نمی شود بدون موسیقی و هنر زیست، هرچند این ها غیر اسلامی باشد.

از نگاه شرعی هم نقاشی غیر اسلامی است و هم موسیقی. در دین اسلام، آموزش علم نیز فقط به علم دین یا همان افسانه‌ها و قیل و قال‌های دینی خلاصه می‌شود.

ولی ما مجبور هستیم دانش‌های مدرن را با بیاموزیم. دانش‌های مدرن علم واقعی ایست. اما در قرآن به ما می‌گوید که علم واقعی نزد الله علم دین است، یعنی روایات دینی است. یگانه راه نجات از دین انتقاد از مزخرفات دینی است. در رابطه با موسیقی باید گفت که حدیث‌های یاد شده بالا هیچ اساس عقلی، علمی و منطقی ندارند، حتا ارزش اخلاقی ندارند.

چگونه می‌توان باور کرد که آلات موسیقی ابزار شیطانی اند، چگونه می‌توان باور کرد که کسی که موسیقی می‌شنود به زمین فرومی رود و به بوزینه و خوگ تبدیل می‌شود؟ البته کسانی که ذهن خود را به ایمان بسته اند و دنباله روی کتاب‌های دینی اند و از خرد و دانش خود کار نمی‌گیرند، می‌توانند به این باور کنند.

تا وقتی که دین حکومت کند، ما باید بر اساس مقررات همان دین از شنیدن موسیقی دوری کنیم و به دانش و هنرهای دیگر دست نزنیم.

اما اگر دین را از زندگی اجتماعی دور کنیم، می‌شود با آزادی بیشتر زیست. درست فکر کرد، عقل و دانش و منطق خود را آزادانه به کار بست و از مزخرفات دینی به دور شد. اگر دین امر خصوصی باشد، زیان آن به جامعه و افراد کمتر می‌رسد. این امر سخت دشوار و مشکل است اما ناممکن نیست.

اما لازم است احکام دینی را با معیارهای منطقی و دانش بسنجید نه به معیارهای که دین برای ما تعیین کرده است.